

تأملی بر فرایند جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۱

محمدحسن شربتیان*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۱۲/۲

حسن میامی**

چکیده:

مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تأکید بر آموخته‌های نهاد اجتماعی هر جامعه‌ای در جهت جامعه‌پذیری جوانان در پذیرش مسئولیت‌های زندگی نقش مهمی دارد. تبعیت از قوانین مدنی و شهروندی، آموزه‌های ارزشی و هنجاری فرهنگ حاکم بر ساختار جامعه، یادگیری اخلاقی و کرداری از حاکمیت نهاد دینی، تقویت ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و عملکردی مهارت‌های زندگی، پذیرش نقش‌های متنوع خانوادگی و... از طریق فرایندهای تشویق، ترغیب، اقتناع، آموزش از مهمترین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری نهادهای اجتماعی هر جامعه‌ای در پذیرش و قبول مسئولیت‌های اجتماعی جوانان در آینده می‌باشد. در غیر این صورت هنگامی که تناقضات عملی و رفتاری بین کارکردهای نهادهای اجتماعی جامعه، برای پذیرش مسئولیت در جوانان به وجود آید، این نسل دچار سردرگمی شده و در آینده به خاطر آموزش‌های غلط یا تناقض‌آمیز جامعه را به سمت نابودی و اضمحلال می‌کشاند. نهادهای اجتماعی باید از طریق استمرار کارکردهای جامعه‌پذیری مسئولانه در جوانان، این نسل را برای اعتماد و اطمینان به زندگی آینده آماده کنند؛ تا از این طریق سرمایه‌های اجتماعی و معنوی را در این نسل برای اشاعه فرهنگی به نسل‌های بعدی تقویت نمایند. تأکید بر احترام و تأیید، پیروی هنجارها و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مشترک، اجرای الگوهای عملی، رفتاری و اخلاقی، برانگیختن مسئولیت‌پذیری مدنی، مشارکت فعال در تمام عرصه‌ها، رشد مهارت‌های زندگی و... می‌تواند از مهمترین راهکارها و استراتژی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی جامعه باشد که جامعه‌پذیری مسئولیت‌های اجتماعی جوانان را دائماً استمرار می‌بخشد؛ بر این اساس یکسری از راهکارهای این فرایند اجتماعی برای نهادینه شدن در رفتار جوانان مورد اهتمام قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آموزش، جامعه‌پذیری، جوانان، خانواده، دین، سیاست، مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهمترین مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه مدنی است، که در هر جامعه‌ای افراد و نهادهای دولتی و غیردولتی با تأکید بر تبعیت از قوانین مدنی جامعه، آموزه‌های ارزشی و هنجاری مطابق با فرهنگ همان جامعه را از همان دوران کودکی به وسیله ارتباطات اجتماعی، تعامل‌پذیری و کنش‌های متقابل اجتماعی رودررو به صورت‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش می‌دهند؛ بر این اساس این فرایند منجر به توسعه پایدار جامعه می‌گردد. در واقع نهادهای اصلی و اولیه هر جامعه‌ای چون (خانواده، آموزش، دین، حکومت، رسانه همگانی) سهم بسزایی در مطابقت و تربیت الگوهای مسئولیت‌پذیری افراد جامعه به صورت مختلف دارند، هر یک از این نهادهای اجتماعی در قالب جامعه‌پذیری و فرهنگ‌آموزی در حوزه مطالعات علوم اجتماعی در حوزه نهادینه نمودن فرایند مسئولیت‌پذیری اجتماعی قابل مطالعه و پژوهش هستند. نقش فرایند مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه را باید پاسخگویی به انتظارات دیگران دانست، که ناشی از نقش‌های اجتماعی است که جامعه به افراد تجویز می‌کند و یا کسب می‌نماید. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن مسئولیت‌ها، همان آموزه‌ها و شیوه‌های مدنی است که به افراد تجویز می‌شود و یا کسب می‌گردد؛ بنابراین جامعه‌پذیری به عنوان فرایند بسیار مؤثر در پایداری و استمرار این مؤلفه مهم زندگی جامعه مدنی سهم عمده ای دارد.

جامعه‌پذیری به‌عنوان یک فرایند اجتماعی از طریق آموزه‌های مداوم هنجاری و ارزشی خصوصاً در کودکان و نوجوانان در شکل‌پذیری مسئولیت اجتماعی سهم عمده‌ای از طریق کارکردهای نهادهای اجتماعی دارد و این مؤلفه از طریق فرایندهای تشویق، ترغیب، اقتناع، آموزش و حتی تنبیه و مجازات، یا به عبارت دیگر اجرای مهارت‌های اجتماعی برای یک زندگی سعادت‌مند و پایدار لازم می‌باشد. این آموزه‌ها نقش مهمی در مشارکت همه‌جانبه و پایدار افراد در جامعه دارد، که خصوصاً علایق و فعالیت‌های اجتماعی جوانان را در حوزه استمرار و بقای جامعه بیشتر بر می‌انگیزد و با برانگیختن این احساسات اجتماعی، آنان را برای پاسخگویی به انتظارات اجتماعی دیگران ترغیب و تشویق می‌نماید و از استمرار این مشوق‌های اجتماعی، جامعه به سمت رشد و تعالی سوق می‌یابد.

طرح مسئله

مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک فرآیند مهم اجتماعی شدن در هر جامعه‌ای سهم بسزایی

در توسعه جامعه دارد؛ وجود آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی که مهمترین ابزار فرایند جامعه‌پذیری است از طریق نهادهای اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان گامی مهم در توسعه مسئولیت‌پذیری افراد سهم بسزایی دارد. بر این اساس جامعه‌پذیری فرایند متقابل یک شخص و محیط اجتماعی او خواهد بود، که در نتیجه آن پذیرش مدل‌های رفتار اجتماعی از جمله مسئولیت‌پذیری اجتماعی را برای افراد آن جامعه به‌وجود خواهد آورد. «در معنای اخیر اجتماعی شدن، فرایندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط و مخصوصاً نهادهای تربیتی و خانوادگی شکل می‌یابد.» (بیروت، ۱۳۷۵: ۳۶۳) در واقع جامعه‌پذیری به‌عنوان فرایند ارتباط متقابل، که فرد با دیگران از همان کودکی با محیط اجتماعی دارد، نقش‌ها از جمله وظایف مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌آموزد، این آموزش‌ها و ارتباطات، یعنی اینکه از توی جوان انتظارات اجتماعی دارند که باید به این انتظارات پاسخ داده می‌شود، چنین پاسخگویی از نهادهای اجتماعی از جمله (خانواده، آموزش، دین، رسانه و حکومت) خواسته است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جوانان را تقویت و استمرار بخشند، که در آینده باعث می‌شود، جوان به عرصه‌های مختلف زندگی خود تعهد داشته باشد و از طریق اجرای این تعهدات زندگی خود و دیگران را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی حاکم بر ساخت زندگی و جامعه تطبیق دهد؛ و باعث می‌شود در کنار جامعه‌پذیری دیگر افراد و یا نهادهای شدن نقش‌های اجتماعی در دیگران، جامعه را به سمت توسعه پایدار و مشارکت‌پذیری مدنی جهت دهد. با توجه به چنین پیامدهایی در این مقاله کارکردها و نقش جامعه‌پذیری را در حوزه مسئولیت‌پذیری با تأکید بر حوزه جوانان به صورت تحلیل و تفسیر کتب، مقالات و ارائه راهکارها برای اشاعه این مؤلفه مدنی بررسی خواهیم کرد.



اهمیت موضوع

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، یادگیری فرایند شیوه زندگی در یک جامعه است، که از ابتدای تولد یک فرد تا پایان زندگی دائماً افراد برای تطابق با نظم حاکم بر جامعه آن را کسب می‌کنند. پس باید «اجتماعی شدن را فراگردی دانست که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را یاد می‌گیرند. شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضو یک جامعه را پیدا می‌کنند» (کونن، ۱۳۸۱: ۷۴). با توجه به موضوع مورد مطالعه باید جامعه‌پذیری را به نوعی فرایند آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی در ایام جوانی دانست که از سوی نهادهای مختلف اجتماعی ارائه می‌شود، تا جوان را برای پذیرش مسئولیت‌های

خطیر از جمله ازدواج، ایفای نقش‌های همسری، والدینی، فرزندی، کارمندی، شهروندی و... آماده می‌کند.

در واقع نهادهای یک جامعه باید دائماً شیوه‌های زندگی و مهارت‌های لازم اجتماعی را به‌عنوان جامعه در فضاهای مختلف از جمله خانه، مدرسه، سازمان‌ها و نهادهای مختلف تقویت کنند، تبلیغ نمایند و حتی آموزش دهند تا الگوهای تطابق ارزشی و هنجارهای حاکم بر فرهنگ جامعه در اذهان این نسل نهادینه شود؛ و این نهادینه شدن باعث این می‌شود که افراد خود را با نظم یک جامعه سازگار کنند و زندگی خود را در تمام ابعاد، توسعه و تکامل بخشند.

جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان، بازگو کننده این است که باید تمام تجربیاتی که افراد عضو نهادهای اجتماعی در طی فرایند زندگی خود کسب کرده‌اند به اعضای جوان و تازه وارد به نهاد اجتماعی، که می‌خواهند خود را با فرهنگ جامعه خویش از طریق تعاملات و ارتباطات متقابل اجتماعی سازگاری دهند، آموزش داد، این نظر بیانگر دیدگاه تقویت روح جمعی دورکیم است که به جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان اشاره می‌کند.

اما از دیدگاه فردی باید اجتماعی شدن مسئولیت‌پذیری جوان را فرآیندی تلقی کرد که، جوانان از طریق اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادت که از فرهنگ جامعه کسب می‌کنند؛ زندگی اجتماعی خود را بسازند، این فرایند به جوان امکان می‌دهد تا یک شخصیت ویژه‌ای را برای زندگی آینده خود کسب نماید. با توجه به این دیدگاه باید نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی رسانه‌های جمعی و... سعی کنند؛ الگوهای فرهنگی سازگار در جامعه را از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی بطور یکسان آموزش دهند؛ اما متأسفانه تناقضات بسیاری در بین الگوهای آموزشی این نهادها برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی قابل مشاهده است، که هر جوان جامعه بطور یکسان مهارت‌های لازم مسئولیت‌پذیری اجتماعی را کسب نمی‌کند؛ و در یک شکل هماهنگ شیوه اجرایی آینده زندگی را جذب نکرده، بخاطر همین مسئله جامعه با پیامدها و مشکلات اجتماعی بسیاری در این گروه‌های سنی روبرو است؛ و همین مسائل اجتماعی منجر به این شده که در حال حاضر ساختار جوانان جامعه ایران گرایش به سمت الگوهای رفتاری عملی آسیب‌پذیر در تمام ابعاد سوق یابد، و جامعه را به سمت اضمحلال و نابودی بکشانند. پس «جامعه‌پذیری را باید نوعی انتقالی فرهنگی یا اجتماعی شدن درباره آموختن فرهنگ دانست، هر فرد دانش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات، جامعه خویش را از



طرق مختلف کسب می‌نماید. این طرق یادگیری (درونی کردن) مؤلفه‌های فرهنگ انسان، موفق می‌شود برای خویش هویت کسب نماید. در پرتو تکامل اجتماعی موجود در فرایند جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن شخص می‌تواند یک موجود انسانی باشد. به‌عنوان نتیجه‌ای از این فرایند انسان دارای خود یا رفتار هویتی می‌گردد.» (محسنی، ۱۳۷۸: ۱۰۵). با توجه به این مطلب جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان را باید نوعی انتقال ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و شیوه‌های عرفی مهارت زندگی در یک جامعه دانست که هر فرد از طریق ابزارهای یادگیری و تعاملات اجتماعی باید این مهارت‌های عملی زندگی اجتماعی را درونی کند تا زندگی موفق‌تری داشته باشند. این اشاعه فرهنگی و درونی کردن نقش‌های اجتماعی که در ایام جوانی مطابق با انتظارات دیگران می‌باشد، منجر به سازگاری و تطابق زندگی فردی و جمعی جوان با دیگران خواهد شد. باید بیان کرد که انتظارات و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی دیگران در جوانان از طریق اجتماعی شدن مسئولیت‌پذیری جوان می‌تواند شکل‌گیرنده این پاسخگویی دارای اجزایی است که عبارت است از: «الف) اصول مرتبط با نظم و انضباط روزمره که در حکم مهارت‌های اصلی برای زندگی در جامعه است، رفتار کردن شیوه‌های چون (خوردن، آشامیدن، پوشیدن و...)، ب) آرزوها، که ارزش‌ها و اهداف مورد تأکید جامعه را در بر می‌گیرد (انگیزه‌های موفق شدن، سعادت‌مندی و...)، ج) مهارت‌ها، شامل بخشی از آموزش‌هایی است که از طریق آن نیل به اهداف و آرزوها امکان‌پذیر می‌شود چون (انتخاب همسر، انتخاب شغل و...)، د) نقش‌ها که عبارتند از: الگوهای رفتاری که برابر کسب و حفظ پایگاه اجتماعی رعایت آن‌ها لازم است چون (ایفای نقش همسری، فرزندی، والدینی، کارمندی، شهروندی و...)» (اسلام زاده، ۱۳۸۹).

خانواده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی مهم نقش بارزی در جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی کودکان، جوانان، نوجوانان و حتی بزرگسالان به‌عنوان یکی از نمایندگان نهادهای جامعه‌پذیر در جامعه خواهد داشت. در واقع نهاد اجتماعی خانواده، در کلیت خویش یکی از کارکردهای مهمش در بقای جامعه از طریق اجرای فرایند اجتماعی شدن است. «در واقع خانواده نماینده تمامی جهان پیرامون افراد در هنگام تولد است، تصویری که کودکان از خودشان دارند، بستگی به این دارد که اعضای خانواده چه احساسی درباره‌شان دارد، بدین سان، برداشت آن‌ها از خودشان، جهان و مردم پیرامون‌شان یک‌دست تحت تأثیر رویکردها و

باورداشت‌های خانواده‌هایشان شکل می‌گیرد. ارزش‌هایی که یک فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود انجام دهند. نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شوند.» (کوئن، ۱۳۸۷: ۸۵).

خانواده یکی از ارکان اساسی آموزش زندگی اجتماعی در هر مقطع سنی است، به‌خصوص در کودکی و جوانی نقش عمده‌ای در ساخت جهان اجتماعی افراد دارد، خانواده از طریق القاء و آموزش صحیح تفکر، نگرش‌ها، باورهای واقعی، جوان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی که در آینده نزدیک قبول خواهد کرد، آماده می‌کند؛ «در واقع نهاد اجتماعی خانواده یک فضای اجتماعی تعامل برانگیز متقابل است که کردار نیک و یا بد را در افراد می‌تواند شکل دهد، خانواده به عنوان نهاد اجتماعی سهم عمده‌ای برای تربیت اجتماعی افراد و شهروندی‌پذیری کودکان و جوانان خواهد داشت.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۷۵). از مهمترین آموزه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اخلاقی خانواده در پرورش کودکان و جوانان می‌توان اشاره به الف) ایجاد احترام متقابل و محبت کردن، که از مهمترین مؤلفه‌هایی است که باید برای کودکان و جوانان احترام قائل شد، تا به مسئولیت خود پایبند باشند؛ این مسئله را در کودکان و نوجوانان آموزش داده و تقویت شود، که در هنگام ازدواج با همسر خود چگونه رفتار کنند. هنگامی که در محیط خانواده والدین در حفظ صمیمیت همراه با معنویت به یکدیگر مهر ورزند و خانه را محیط آرام و امن برای رشد و کمال خود و فرزندان تبدیل کنند و دستورات مذهبی و اخلاقی چون چگونه صدا کردن یکدیگر، سلام کردن به یکدیگر، پیشباز و بدرقه کردن، خداحافظی کردن، غذای خوب پختن برای یکدیگر، ایراد نگرفتن از کارهای یکدیگر، تمیزی و نظافت، زینت و خود آرایی، سپاس و قدردانی از یکدیگر، عیب‌پوشی، تبسم و خوش رویی و خوش بینی نسبت به هم و... را برای کودکان و جوانان انجام دهند و مصرانه این رفتارهای اخلاق اجتماعی را تقویت کنند، نقش عمده‌ای در جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان و زندگی آنان گام برخواهند داشت، که این سنین هم در هنگام تشکیل خانواده با همسران خود چنین احترام متقابل و محبتی را ایجاد کنند. ب) ایجاد عفو و گذشت از دیگر مواردی است که خانواده می‌تواند به کودکان و نوجوانان خود بیاموزد که در زندگی آینده، خود را از کردارها و رفتارهای غلط طرف متقابل به خاطر تحکیم و استحکام خانواده چشم‌پوشی کنند، ج) پایبندی به معنویت و رعایت احساسات یکدیگر از عمده رفتارهای فرایند جامعه‌پذیری والدین نسبت به هم می‌باشد، که در خانواده‌ای که پدر و مادر این رفتارها را رعایت کنند، کودکان و جوانان آنان، خواهند آموخت که در

هنگام زندگی خود با توجه به تفاوت زیستی، روانی و اجتماعی که با همسر خود دارند، احساسات او را درک کنند و در کنار این احساسات به عشق‌ورزی، علائق مشترک، ایده‌آل‌ها و خواسته‌های معنادار و یکسان که زندگی را به سمت کمال می‌برد توجه کنند، والدین باید از همان آغاز طفولیت و حتی در جوانی که فرزندان در خانه با آن‌ها بسر می‌برند، آن‌ها را با حقوق و وظایف خود در برابر آن‌ها بالعکس آشنا کنند این آگاهی می‌تواند در بروز پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی که فرزندان‌شان در آینده به‌عنوان والدین جدید می‌پذیرند کمک بسیاری نماید، ه) باید والدین در هنگام ازدواج فرزندان، با توجه به تجربیاتی که در زندگی کسب کرده‌اند با تأکید بر تربیت صحیح رایج در جامعه جوانان خود را در انتخاب و دقت‌گزینش همسر آماده نمایند، و) والدین براساس ارزش‌های اسلامی و اجتماعی حاکم بر جامعه باید فرزندان خود را در جهت کسب روزی حلال، تأثیر لقمه حلال بر سالم‌سازی روح و زندگی در آینده آماده کنند، ز) پدر و مادر باید جوان خود را که مسئولیت‌های زندگی را از طریق ازدواج و سایر موقعیت‌ها، پذیرفته‌اند با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه در انتخاب نام نیک برای فرزندان آن‌ها که معنا و محتوای مناسبی دارد راهنمایی و ارشاد کنند، ح) والدین باید کودکان و جوانان خود را به سوادآموزی، تشویق کنند، شوق و علاقه به دانش تخصصی را یک ویژگی مهم در عصر حاضر برای ارتقاء فرهنگ خانواده در جوان تقویت نمایند، ط) والدین باید در تفکر و رفتار جوانان خود احترام و احسان به خود، برحذر داشتن از اذیت والدین، طلب رحمت و مغفرت برای خود را در کودکان و جوانان اقناع و ترغیب نمایند، علاوه بر این عاقبت به خیری را در پرتو آیات و روایات دینی را آموزش دهند که این جوانان بتوانند این رفتارهای نیک پسند را به نسل‌های بعدی خود انتقال دهند.» (جوهری، ۱۳۹۱)

تمام این موارد بیان شده، بیانگر این است که خانواده از طریق ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در جوانان خود می‌خواهد، احترام و تأیید جامعه را برای فرزند خود به‌وجود آورد؛ که این مسئله از طریق پیروی هنجارها و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مشترک در جوانان الگوهای عملی، رفتاری و اخلاقی مشترک در جوانان، که همان تطبیق با ساختارهای فرهنگ جامعه است به‌وجود می‌آورد. در واقع کودکان و جوانان الگوهای عملی، رفتاری و اخلاقی پدر و مادر خود را در بزرگسالی - که همانند آن‌ها مسئولیت‌پذیر می‌شوند - تقلید می‌کنند، پس بهتر است این تقلید از روی آگاهی باشد و حتی رفتارهای تقلید واقعی ناشی از نمادها و نسل‌های فرهنگی از نهاد اجتماعی خانواده نشأت می‌گیرد. اعضای خانواده به‌خصوص والدین از طریق تکرار قواعد و هنجارهای حاکم بر جامعه، دین و ساختار زندگی خانوادگی، باید آن‌ها را



در نگرش‌ها، اعتقادات، باورها و رفتارهای جوانان خود برای اینکه در آینده مسئولیت‌پذیر حقیقی گردند، درونی کنند؛ تا بعد از استقلال و یا تشکیل یک زندگی جدید این قواعد درونی شده تبدیل به یک عادت شود و به همین ترتیب آموزش فرهنگی به نسل‌های بعدی انتقال یابد و شکل گیرد.

دین و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نهاد اجتماعی دین هم با تأکید بر آیات و روایات قرآنی و نبوی در حوزه اسلام می‌تواند نقش مؤثری در مسئولیت‌پذیری افراد جامعه از جمله جوانان داشته باشد. خداوند در آیات قرآن کریم اشاره به این می‌کند که تمام موجودات کره خاکی با هدف و نیت خاصی آفریده شده‌اند و هیچ یک از آفریدگان عبث و بیهوده به وجود نیامده‌اند. این نیت و هدف همان به کمال رسیدن موجودات از جمله انسان به درجه اولویت است. اندیشمندان حوزه دینی، با تشریح آیات الهی، احادیث نبوی و علوی می‌توانند با تأکید بر اراده و اختیار، جوانان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در جامعه آماده کنند و همچنین آثاری که از این مسئله برای آنها و خانواده‌شان در حال حاضر و در آینده به وجود می‌آید، آگاه نمایند. متفکران، اندیشمندان دینی و روحانیون با تأکید بر اینکه افراد به برکت تکلیف و حس مسئولیت بار سنگینی که در پیشگاه خداوند و جامعه بر عهده دارند، باید جوانان را آماده برای پیروزمند گشتن از این تکالیف کنند، همان‌طور که حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «همه شما نسبت به زیردستان خود مسئول هستید. پس والی و امیر، نسبت به رعیت خود مسئولیت دارد. مرد سرپرست خانواده است و نسبت به آنها وظیفه دارد. زن نگهبان خانه شوهر و فرزندان اوست و نسبت به آنها مسئولیت دارد. بنده هم نگهبان اموال و مولای خودم هستم و در این باره مسئول هستم. آگاه باشید که همه شما نمایندگان هستید و نسبت به رعیت خود مسئولیت دارید» (جعفری، ۱۳۹۰).

نهاد اجتماعی دین، باید جوانان را برای اینکه در برابر زندگی خودشان مسئول کند و پاسخگو به جامعه و خداوند باشد، آماده کند. این پذیرش مسئولیت یعنی لازمه رسیدن به کمال معنوی، این نهاد اجتماعی برای اینکه انسان‌ها به خصوص در ایام جوانی، افراد را به کمال قرب و منزلت برساند با تأکید بر آیات الهی قرآن مجید خواسته است که از عبث بودن، بی‌تکلیف بودن، کارهای بیهوده کردن دوری گزینند، پس باید روحانیت معظم در جامعه احساس مسئولیت نمایند که تمام افراد جامعه به خصوص جوانان را به سمت تشکیل

زندگی اجتماعی و استقلال معنوی سوق دهند، چنین روحیه‌ای را پرورش دهند، همان‌طور که ائمه اطهار (ع) در احادیث خود خواسته‌اند که افراد نیروها و استعداد‌های خود را در جهت پیروی از دستورات الهی به کار گیرند و تا آخرین حد توانایی خود، وجودشان را به کمال برسانند. از سوی دیگر نهاد دین معتقد است که باید انسان‌ها در برابر جامعه مسئول باشند، حوزه‌ها و سازمان‌های دینی باید در بین جوانان و نوجوانان جامعه تأکید به این کنند که انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند و به تنهایی، نمی‌توانند به رفع نیازهای خود بپردازند در سایه همکاری با یکدیگر به تأمین نیازهای مادی و معنوی خواهند پرداخت؛ پس بر این اساس تقویت احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جوانان برای بهروزی و حیات اجتماعی با تأکید بر آیات و احادیث اسلامی موهبتی است که ناشی از همکاری و همیاری در جامعه شکل می‌گیرد، نه افراطی و تکروانه. نهاد اجتماعی دین باید جوانان را بری مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده‌ای که تشکیل داده‌اند یا در آینده تشکیل خواهند داد، آماده کند. در واقع احادیثی که ائمه اطهار (ع) برای ازدواج و تشکیل خانواده بیان شده، نشانگر اهمیت دادن به مسئولیت‌پذیری جوانان برای خانواده جدید و تازه شکل یافته است. این مسئله با تأکید بر آیات الهی و احادیث باید مسئولیت جوانان را در برابر فرزندان، خویشاوندان، همسر، همسایگان آماده کند. بنابراین باید گفت که نهاد اجتماعی دین در مسئولیت‌پذیری جوانان «الف» نهاد دین کمک می‌کند که جوانان به یک هویت اخلاقی، ارزشی و دینی - که متناسب با ساختار حاکمیت در آن جامعه است - دست پیدا کنند، (ب) دین به جوان کمک می‌کند که از طریق بالابردن روحیه اجتماعی خود انسجام اجتماعی و همبستگی خود را حفظ کند که این نگهداشت ناشی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که فرد در برابر دیگران دارد» (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۳۸).

آموزش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

نهاد آموزش از طریق سازمان مدارس و دانشگاه‌ها به صورت برنامه درسی آشکار و پنهان جوانان و نوجوانان جامعه را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از همان آغاز تعلیم و تربیت رسمی باید مورد توجه قرار دهند. در واقع نهاد آموزش در رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان از طریق برنامه درسی مستقیم و غیرمستقیم باید به ابعاد (شناختی، عاطفی و عملکردی) توجه کند. به صورت دقیق‌تر این سه بعد شامل «الف» رشد آگاهی‌ها و مهارت‌های عقلانی لازم برای شناخت انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد شناختی)، (ب)

رشد عواطف مثبت نسبت به پذیرش انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد عاطفی)، (ج) رشد مهارت‌های اجتماعی لازم برای اقدام به انواع مسئولیت‌های اجتماعی (بعد عملکردی) است. (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۹: ۹۶). در واقع نهاد آموزش در بعد شناختی باید در جهت حفظ تداوم جامعه، جوانان و نوجوانان را با نقش‌های اصلی و فرعی که در خانواده و جامعه باید پیدا کنند، آشنا و آگاه نماید که این آگاهی در واقع بیانگر شناخت مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان و نوجوانان است. در واقع نهاد آموزش در سطح مدارس و دانشگاه باید با بهره‌گیری از تفکر و استدلال دانشجویان و دانش‌آموزان و درگیر ساختن آنان با مسئولیت‌های اجتماعی زندگی راه را برای ترغیب و تشویق پذیرش نقش‌های اجتماعی در زندگی اجتماعی که در آینده بسیار نزدیک تشکیل خواهند داد، اقناع و تقویت نماید و با روش‌های حمایتی مثبت، که عضو جوان جامعه احساس کند، در حال استقلال است، راه را برای دستیابی به حل مسائل و پاسخ به آن‌ها هدایت و راهنمایی کند. باید نهاد آموزش در برنامه‌های درسی و غیردرسی در فضای مراکز آموزشی در یادگیرندگان جوان که مشتاق تعلیم و تربیت هستند؛ موضوعاتی را در اذهان جوانان و نوجوانان به وجود آورد که بتوانند از طریق موضوعات متنوع عواطف مثبت را در بین تعلیم‌گیرندگان فعال نگه دارد. این عواطف با ایجاد انگیزش و انگیزه دادن در دانشجویان و دانش‌آموزان جوان، به عنوان عوامل تقویت‌کننده بر نحوه اجرای رفتاری زندگی اجتماعی آنان تأثیر خواهد گذاشت، رشد این انگیزش‌ها در جوانان از طریق توجه به نیازها، خواسته‌ها، علایق و رغبت‌های جوانان و... شکل می‌گیرد. همچنین پذیرش و عمل به مسئولیت‌های اجتماعی را در جوانان تعلیم‌گیر از طریق رشد پاره‌ای از صفات شخصیتی مطلوب چون تأکید بر روحیه خود اتکایی، خود رهبری، عزت نفس و خود پنداره مثبت در تمایل جوان به پذیرش و ایفای نقش‌های مسئولانه اجتماعی مؤثر خواهند بود. در بعد عملکردی باید برنامه‌های درسی طوری تنظیم و تدوین کرد که دانشجویان و دانش‌آموزان را به‌طور عملی با عملکرد مسئولانه اجتماعی آشنا نمود، در واقع این عملکرد عملی، همان آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم برای حضور مطلوب در صحنه‌های اجتماعی است، که باید در جوانان و نوجوانان به وجود آورد. بر این اساس مراکز آموزشی و نهاد آموزش باید به خلق فرصت‌های عملی به منظور مواجه ساختن جوان با موقعیت‌های اجتماعی و به وجود آوردن مهارت‌های اجتماعی لازم برای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی تأکید کند. متأسفانه محتوای برنامه‌های درسی در جامعه ما امروزه کمتر به این سه بعد پرداخته و بیشتر به ارائه آگاهی‌های صرف نظری، غیرعملی و مستقیم از انواع مسئولیت‌های اجتماعی محدود می‌شود.

از آنجا که در بعد شناختی، جوانان طالب علم باید با مهارت‌های شناختی تجزیه و تحلیل، مسئولیت‌های اجتماعی را به دست آورد، متأسفانه در نهاد آموزش جامعه ما کمتر به این مسئله توجه می‌شود. همچنین در بعد عملکردی، جوان جامعه ما نیازمند آشنایی با عمل مسئولانه و مهارت‌های اجتماعی لازم برای عمل به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی است و از سوی دیگر در بعد عاطفی نیز، محتوای تنظیمی باید مشوق، جذاب و برانگیزنده باشد که در برنامه‌های درسی و غیر درسی سازمان‌های آموزشی جامعه ما بسیار کم مشاهده می‌شود. بنابراین تنها آموزش نظری با ارائه غیرمستقیم فعال است که می‌تواند به وسیله طرح نظری مسائل و موقعیت‌های مختلف اجتماعی پردازد. باید آموزش در جهت تعیین تکالیف عملی و اجتماعی باشد، مقدمه فعالیت ذهنی و عملی یادگیرنده را مهیا نماید و بدین ترتیب، ضمن رشد مهارت‌های ذهنی و اجتماعی به تأمین نیازها، خواسته‌ها و علایق یادگیرنده و همچنین کسب احساس موفقیت و شایستگی اجتماعی جوانان کمک کند، تا بدین وسیله دانشجویان و دانش‌آموزان جوان را در بعد عاطفی نیز رشد دهد. شیوه‌های تدریس در مدارس و دانشگاه‌های ما باید با تأکید به این سه بعد مذکور طوری تهیه و تدوین گردد که مؤلفه‌های تدریس مناسبی برای هریک از ابعاد، مد نظر قرار گرفته شود.

باید برای تدریس ابعاد شناختی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان و نوجوانان، روش‌های تدریسی را طوری انتخاب نمود، که بتواند رشد قدرت تفکر، تحلیل و بررسی موقعیت‌های اجتماعی را تقویت کرد؛ تا از طریق آن توانایی فهم و درک مسئولیت‌پذیری‌های اجتماعی خویش را جوانان به دست آورند. همچنین تدریس در بعد عاطفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، باید به صورتی باشد که به رشد تصمیم‌گیری شخصی و منطقی جوان، ایمان به توانایی‌های شخصی و پذیرش امکانات فردی و تأمین رغبت‌ها، تمایلات و نیازهای جوانان و... توجه کند. در بعد عملکردی باید تدریس مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، به گونه‌ای باشد که فرصت‌های عملی و اجتماعی مطلوب را برای مواجهه جوانان با واقعیت‌های اجتماعی به وجود آورد، البته در این خصوص دانشگاه‌ها و مدارس نیز با طراحی و اجرای مجموعه وسیعی از فعالیت‌های عملی و مشارکتی به خلق فرصت‌های عملی برای رشد مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان کمک کنند.

سیاست و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری در هر جامعه‌ای اصل و مبنای مدنی دارد، به گونه‌ای که این امر هنگامی

که در شهروندان نهادینه شود، جامعه به سمت کمال و توسعه پایدارش سوق می‌یابد. نهاد حکومت با توجه به قوانین نهادینه شده در جامعه شهروندان جامعه را از همان دوران طفولیت به‌طور رسمی برای پذیرش وظایف اجتماعی درونی با همکاری سایر نهادها از جمله آموزش و پرورش آماده کند. حکومت راهکارهایی را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در جوانان با ایجاد مشارکت‌جویی در احزاب، ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای مشارکت در امر سیاسی و اجتماعی، تشویق و ترغیب جامعه جوان به شایسته‌سالاری و عدم تبعیض جنسیتی در امور مشارکت‌پذیر جامعه مدنی، تقویت انجمن‌های قومی و گروهی، حضور فعال در جامعه مدنی، رشد انجمن‌های علمی، غیرواقعی و فرهنگی در میان جوانان، آموزش‌های شهروندمداری و شهروندگرایی برای جوانان و... فراهم کند. در واقع حکومت و دولت نقش بسیاری در اجتماعی شدن سیاسی و مدنی جوانان دارد، این اجتماعی شدن را باید در جامعه با ابزار تقویت و گسترش مشارکت‌پذیری در تمام عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یک مسئولیت‌پذیری برای تحکم و توسعه پایدار جامعه در نظر گرفت.

هر حکومتی که شرایط را برای ورود جوانان به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر سرمایه‌گذاری کند، بیانگر این است که این نسل‌ها نسبت به نسل‌های قدیمی‌تر خود به‌خصوص برای پذیرش مسئولیت‌های مختلف مدنی در جامعه بهتر قبول می‌کنند؛ در واقع نهادها و سازمان‌های دولتی و حکومتی و حتی نهادهای غیردولتی باید با آموزش و آگاهی عمیق به جوانان جامعه خود، عرصه مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌پذیری مدنی شده را در بین جوانان گسترش دهد و استمرار و تقویت کند، و همچنین عدم این مسئله باعث انفعالی بودن جوانان در عرصه مشارکت‌پذیری مدنی می‌شود و این امر باعث شده که این نسل نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ساختارها منفعل شده و فاصله‌گیری سیاسی و اجتماعی از ساختار حکومت داشته و نسبت به ساختار حکومتی بی‌اعتماد شوند. «مشروعیت یک نظام سیاسی این است که بتواند جوانان یک جامعه را به‌مثابه نیروی جدید برای تغییر در ابعاد مختلف وارد میدان کند و این ورود از طریق مسئولیت دادن به جوانان و عرصه‌های مختلف است که تأثیرات سیاسی عمیقی بر جای می‌گذارد. چنین سازماندهی در جوانان به‌صورت خودانگیخته و با وساطت تشکل‌های مدنی عمل می‌کنند. در مقابل بی‌علاقگی جوانان به مسئولیت‌پذیری و مشارکت در احزاب سیاسی جامعه، معلول عدم آگاهی و شناخت آنان نسبت به مسائل سیاسی و نیز انفعال و بدگمانی‌ای است که میان آن‌ها وجود دارد. تصور جوانان از مفهوم سیاست و حکومت و حتی مسئولیت‌پذیری در گرایش آن‌ها مستقیماً اثرگذار

است.» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

در واقع نهاد اجتماعی حکومت و دولت در خصوص مسئولیت‌پذیری جوانان در ابعاد شهروندی، باید سعی کنند که انفعال و بیگانگی سیاسی را در جوانان تغییر دهند، این تغییر با نظارت بر برنامه‌های احزاب و رقابت احزاب برای مشارکت‌جویی اعطاء مسئولیت‌های شهروندی به جوانان می‌تواند شکل گیرد؛ علاوه بر این باید حکومت فرصت‌ها را برای جوانان در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی فراهم کند، و بی‌انگیزگی آنان را ارزیابی نماید و تغییر دهد، پس جوامعی که به سمت نظام‌های مردم‌سالار سوق می‌یابند، باید جوانان را به سیاست حاکم بر جامعه‌شان علاقه‌مند کند، باید آموزش شهروندی را در دانشگاه‌ها و مدارس جزء برنامه‌های اصلی قرار گیرد.

حکومت باید برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در جوانان، نفع جمعی را مهمترین هدف زندگی جوانان در اذهان و گرایش آن‌ها قرار داد. نهاد حکومت از طریق پرورش احساس تعلق به سرزمین، خانواده و جامعه که همان پرورش نفع جمعی است جوانان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی آماده می‌کند که این مسئله باید یک هدف اساسی زندگی برای جوانان باشد و آموزش داده شود. در واقع نهاد اجتماعی حکومت باید مدافع تبعیض جنسیتی را در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی برای جوانان تا آن جا که امکان دارد، بر دارد و از این طریق سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که دو جنس جوان در جامعه خود را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی آماده نماید؛ اما با توجه به ساختارهای که در جامعه ایران وجود دارد، برخی از محرومیت‌ها باعث شده که زنان در جامعه به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی منفعل‌تر باشند، اتخاذ تدابیر و سیاست‌های اجتماعی می‌تواند به این انفعال به کمک سازمان‌های رسمی و غیردولتی در دهه اخیر کمک کرده باشد؛ اما جای فعالیت بیشتری دارد. در واقع حکومت به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی باید تغییرات کیفی و تحول‌گرا در تغییر نگرش‌های جوانان برای پذیرش مسئولیت‌های به‌وجود آورد.

نهاد اجتماعی حکومت باید انگیزه فرایند سهم شدن در تصمیمات را در سطح فردی و جمعی در بین جوانان به‌وجود آورد، در واقع به‌وسیله دموکراسی می‌توان به این مسئله کمک کرد. «در حال حاضر برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در بین جوانان باید بنیان‌ها و اصول شهروندی را آموزش داد، این آموزش‌ها نحوه ایجاد انگیزش در میان جوانان را برای پذیرش نقش شهروندی با توجه به منافع جمعی ایجاد می‌کند. شهروندی از یکسو واجد ابعاد سیاسی و ساختاری است و از سوی دیگر دارای ابعاد عاطفی است که با فرهنگ و



هویت جوانان ارتباط پیدا می‌کند.» (سلگی، ۱۳۸۶). در کمترین سطح نهاد اجتماعی حکومت، شهروندان را باید نسبت به مسئولیت‌ها حقوق و هویت‌های متفاوت خود آگاهی و شناخت دهد، کسب این شناخت مستلزم آموزش حقوق انسانی و فراهم کردن محیطی برای یادگیری است که در آن مجال جستجو و تقویت احساسات و انتخاب‌های افراد به‌خصوص جوانان فراهم شود. بر این اساس «اولاً: ابعاد و اجزای آموزش شهروندی به جوانان در برگیرنده یک سطح حداقلی و یک سطح حداکثری از مسئولیت‌پذیری‌هاست. مطابق این الگو، این سطوح تا هنگامی که ادغام واقعی در جامعه محقق نشود و حداقل درآمد، امنیت و مشارکت فعال جوانان و سایر شهروندان تأمین نشود. اعضای جامعه چون جوانان، بزرگسالان و... نخواهند توانست حقوق خود را طلب کنند. پس آموزش شهروندی به جوانان در چنین جامعه‌ای باید دربرگیرنده آموزش دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی باشد که با ماهیت اداره یک نظام مردم‌سالاری مشارکتی همخوان باشد. ثانیاً آموزش شهروندی عملاً باید وسیله‌ای برای پرورش احساسات تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی برای اعضاء (جوانان) باشد. ثالثاً هدف اصلی برنامه‌های آموزشی نهاد اجتماعی حکومت و دولت باید درگیرکردن افراد و جوانان در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی اجتماعی و انفرادی باشد، این آموزش‌ها هرچه مؤثرتر باشد، افراد و جوان جامعه را نسبت به آینده زندگی جمعی و فردی خود مسئولیت‌پذیرتر می‌کند، پس باید از همان آغاز که شخصیت افراد شکل می‌گیرد، در کودکان و نوجوانان اعتماد به‌نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی آموخت و به‌عبارت دیگر این آموزش‌ها یعنی درگیرکردن افراد جامعه در مسائل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماعی محل زیست آنها است. رابعاً آموزش‌های شهروندی که به افراد و جوانان آموخته می‌شود (باید از طریق انتقال دانش، مهارت و ارزش‌هایی باشد که به‌واسطه این موارد جوان را عضوی مفید از حیات عمومی جامعه تشخیص دهد تا مسئولیت‌پذیر باشد، به این ترتیب اهداف آموزش شهروندی را در جوانان و سایر افراد جامعه باید عموماً حول سه محور آموزش مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، آموزش فعالیت‌های اجتماعی و گرایش به چنین فعالیت‌هایی و آموزش سواد سیاسی دانست.» (اناری، ۱۳۸۹).

نهاد اجتماعی حکومت باید آموزش شهروندی به جوانان را در جهت مسئولیت‌پذیری اجتماعی به سمت جستجوی عدالت اجتماعی سوق دهد و شهروند به کسی گفته می‌شود که از مسائل عمومی جامعه آگاهی داشته باشد که با پذیرش مسئولیت‌ها بتواند عدالت اجتماعی را گسترش دهد. علاوه بر این آموزش‌های شهروندی باید در جوانان فضیلت‌های مدنی را

برانگیزد که این فضایل همان مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه سیاسی است. این آموزش‌ها باید جوانان را به گونه‌ای تربیت کند که در اجتماع و محیط پیرامون خود مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند، به این ترتیب آموزش شهروندی با رشد مسئولیت‌پذیری و تقویت مشارکت همه‌جانبه در جوانان نوعی احترام متقابل را به وجود آورد که این احترام اجتماعی یعنی مسئولیت‌پذیر بودن در برابر احترام و نگهداشت هویت‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی، دینی و جنسیتی است.

از سوی دیگر مهارت‌های آموزش و یادگیری مسئولیت‌پذیری شهروندان در جوانان به‌عنوان یک عضو فعال و مؤثر در حکومت تقویت شیوه‌های همکاری، همیاری، کارگروهی، تقویت مهارت‌های مؤثر ارتباطی، مدیریت فعالیت‌های ملی و محلی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های محلی و تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی است که این مفاهیم بیانگر مسئولیت‌پذیری در یک جامعه مدنی را برای شهروندان بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی با تأکید بر تبعیت از قوانین مدنی جامعه، آموزه‌های ارزشی و هنجاری مطابق با فرهنگ جامعه، از همان دوران کودکی تا بزرگسالی را در جهت توسعه همه‌جانبه و پایدار باید سوق دهد. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن مسئولیت‌ها، همان یادگیری آموزه‌ها و شیوه‌های مدنی است که به افراد تجویز می‌شود و یا کسب می‌گردد. از طریق فرایندهای تشویق، ترغیب، اقناع، آموزش و حتی تنبیه و مجازات، باید مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در بین نسل جوان تقویت و استمرار بخشید.

نهادهای یک جامعه دائماً شیوه‌های زندگی و مهارت‌های لازم اجتماعی را در اذهان نسل جوان با مؤلفه‌های عملی مستقیم و غیرمستقیم باید نهادینه نمایند و این نهادینه شدن از طریق ارائه تجربیات به صورت فردی و جمعی باید در نهادهای اجتماعی جامعه صورت گیرد؛ و هنگامی که اشاعه غلط و تناقض بین این آموزه‌ها در نهادهای جامعه‌پذیر به وجود آید، جامعه به سمت آسیب‌های اجتماعی و اضمحلال سوق می‌یابد که متأسفانه در جامعه ما بین آموخته‌های مسئولیت‌پذیری نهادهای اجتماعی به جوانان تناقض بسیاری مشاهده می‌شود و این خود پیامدهای بسیاری را برای جامعه با هزینه‌های گزاف به وجود آورده است.

نهاد اجتماعی خانواده از طریق ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در جوانان باید، احترام و تأیید، پیروی هنجارها و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مشترک، اجرای الگوهای عملی،

رفتاری و اخلاقی، تکرار قواعد و هنجارهای حاکم بر جامعه، دین و ساختار زندگی خانوادگی را در نگرش‌ها، اعتقادات، باورها و رفتارهای جوانان برای پذیرش نقش‌های فرزندی، همسری، والدینی، خویشاوندی که در آینده پذیرا خواهند بود، آماده کند.

نهاد اجتماعی دین باید جوانان را برای اینکه به کمال معنویت در این دنیا برساند، با تأکید بر آیات الهی قرآن مجید و احادیث ائمه اطهار (ع) در جهت رفع نیازها، تقویت اخلاق و کردار اسلامی آماده کند، این آمادگی یعنی کارکردهای دین در جهت رشد مسئولیت‌پذیری افراد به‌خصوص نسل جوان است، که روحانیت و اندیشمندان و مراجع معظم دینی باید در در سلسله مباحث خود دائماً این عملکردها و گفتارها را استمرار بخشند.

نهاد آموزش با ارائه برنامه درسی آشکار و پنهان در سه بعد «عاطفی - شناختی و عملکردی» باید جوانان را در دانشگاه‌ها و مدارس همراه با شیوه‌های تدریس مناسب این سه بعد برای پذیرش هرگونه مسئولیت‌های اجتماعی در آینده که همان آموختن مهارت‌های زندگی اجتماعی، معنوی و رفتاری است، آماده کند.

بر انگیزتن مسئولیت‌پذیری مدنی و وظیفه جامعه‌پذیری نهاد اجتماعی حکومت در جوانان، برای آمادگی یافتن مسئولیت‌های شهروندی و شهروندمدارانه است. همچنین مشارکت و ترغیب جوانان برای وارد شدن به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه باید از طریق ارائه استراتژی‌های احزاب سیاسی - مدنی جامعه که تحت حاکمیت نظام است، شکل گیرد. چنین آموخته‌های سیاسی و اجتماعی از طریق مشارکت جمعی در تمام عرصه‌ها باید از سوی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دائماً در اذهان نسل جوان برای پذیرش مسئولیت‌ها در آینده درونی و تقویت شود.

راهکارها

۱. تأکید سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی به عملی کردن فرایند ارزش‌ها و هنجارهای پذیرش مسئولیت‌های اجتماع در بین تمام افراد جامعه به‌خصوص نسل جوان.
۲. برقراری ارتباطات اجتماعی و تعامل متقابل دائم با نسل جوان با محوریت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی.
۳. تشویق، ترغیب، تفهیم درک آموزه‌های مداوم هنجاری و ارزشی متناسب با فرهنگ با محوریت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین تمام افراد جامعه به‌خصوص نسل جوان و نوجوان.

۴. تقویت مشارکت همه‌جانبه و پایدار جوانان در تمام عرصه‌های اجتماعی جامعه در هر برهه زمانی و مکانی با محوریت فعالیت‌های محلی، ملی و جهانی.
۵. توجه عمیق به علایق و انگیزه‌های جوانان و هدایت این مؤلفه‌های روانی و اجتماعی به سمت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی.
۶. آموزش مداوم و مستمر مهارت‌های اجتماعی زندگی چون (نظم و انضباط فردی و جمعی، رسیدن به آرزوهای فردی و جمعی، اهمیت به موفقیت‌های فردی و جمعی، ایفای نقش‌های اجتماعی فردی و جمعی و...) که همگی لازمه پذیرش این نسل به مسئولیت‌های اجتماعی است.
۷. آموزش مهارت‌های معنوی، اخلاقی و رفتاری در زندگی چون (عفو و گذشت، احترام کردن، محبت نمودن، رفتار کردن در سطوح خانوادگی و اجتماعی، مهر ورزیدن، نحوه خطاب‌های کلامی، خوش بیانی و...) که همگی الزامی برای ایفای نقش‌های اجتماعی نسل جوان در جامعه است.
۸. اقناع، ترغیب و آموزش والدین برای ارتباط متقابل با جوانان و ارائه تجربیات مسئولیت‌های خود در زندگی به این نسل پرشور و هیجانی و کمک در زمینه‌هایی چون (انتخاب همسر، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل، انتخاب دوست، انتخاب مسکن و...).
۹. استمرار آموزه‌های دینی از سوی سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و غیردولتی در جهت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی به جوانان با تأکید بر دانش‌های حوزوی و فقهی.
۱۰. تبلیغ پیام‌های دینی و اجتماعی در سطح جامعه برای تشویق و ترغیب افراد جامعه به‌خصوص جوانان به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی.
۱۱. برگزاری همایش‌های علمی و برنامه‌های رسانه‌ای و کارشناسی شده در رسانه‌ها با محوریت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی.
۱۲. تأکید بر پژوهش‌های علمی در سطح سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و ارائه برنامه‌ها و استراتژی‌های کارشناسی شده مطابق نتایج پژوهشی در این زمینه، به‌خصوص تشویق جوانان به این سمت و سو است.
۱۳. تأکید بر آموزش‌های مداوم و پایدار شهروندی و شهروندمداری در جهت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بین تمام افراد جامعه.
۱۴. ایجاد اعتماد و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و معنوی در بین افراد جامعه از سوی دستگاه‌های حکومتی و سوق دادن شهروندان به مسولیت‌پذیری اجتماعی در برابر نهادهای حکومتی.
۱۵. تشویق و ترغیب جوانان به مشارکت فعال در احزاب سیاسی و مدنی جامعه برای

پذیرش مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی در آینده.

۱۶. آگاهی دادن و شناخت عمیق از سوی نهادهای آموزشی جامعه به پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی.

۱۷. آموزش‌های عملی، شناختی و عاطفی نسبت به پذیرش مسئولیت‌ها در بین جوانان و نوجوانان.

۱۸. تدوین و انتشار کتب، مجلات، مقالات و پژوهشنامه‌های علمی و دانشگاهی با محوریت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی نسل جوان.

۱۹. تدریس و تعلیم عملی اساتید و معلمان با توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و عملی مسئولیت‌های اجتماعی و ارتباط مستمر این قشر با جوانان و نوجوانان.

۲۰. ایجاد زمینه‌های لازم برای خلاقیت، در جوانان و نوجوانان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و راهنمایی و ارشاد آنان در جهت بهتر ارائه نمودن این نقش‌های خلاقانه.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، چاپ اول، تهران: نشر سمت.
- اسلام‌زاده، مرتضی. (۱۳۸۹). «چطور فرزندانمان را مسئولیت‌پذیر سازیم»، قابل دسترس در www.hamsharionline.ir تاریخ دریافت ۸۹/۷/۲۷.
- اناری، الهام. (۱۳۸۹). «حس مسئولیت‌پذیری در مشارکت اجتماعی»، دریافت در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲۹.
- بیروت، آلن. (۱۳۷۵). «فرهنگ علوم اجتماعی»، نام مترجم باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- جعفری، زینب. (۱۳۹۰). «انسان و مسئولیت‌پذیری»، قابل دسترس در www.hawaz.net تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۱۲/۱۱.
- جوهری، نرگس. (۱۳۹۱). «مسئولیت‌پذیری در خانواده»، قابل دسترس در www.hawaz.net تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۰۱/۱۱.
- ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی جوانان ایران»، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- سبجانی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۶). «فردانش، هاشم. (۱۳۷۹). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی». نشریه مدرس، دوره ۴، شماره ۱، ص ص ۹۵ تا ۱۱۴ قابل دسترس در www.sid.ir تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۱۲/۱۱.
- سلگی، زاهدالدین. (۱۳۸۶). «مسئولیت اجتماعی جوانان»، قابل دسترس در www.aftab.ir تاریخ دریافت ۸۹/۷/۲۷.
- قنادان، منصور؛ ستوده، هدایت‌الله و مطیع، ناهید. (۱۳۷۵). «جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی»، چاپ اول، تهران: ناشر آوای نور.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۱). «درآمدی به جامعه‌شناسی»، مترجم محسن ثلاثی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر توتیا.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۷). «درآمدی به جامعه‌شناسی»، مترجم: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ بیستم، تهران: نشر سمت.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۸). «مقدمات جامعه‌شناسی»، چاپ شانزدهم، تهران: نشر دیدار.